

انتخابات جدید یونان - سیریزا (SYRIZA) در

پیشروی



عصر امروز دفتر ریاست جمهوری یونان اطلاع داد که مساعی رئیس جمهور «پاپولیس» در جهت ایجاد حکومت تکنوکراتها ناکام گردید. به این ترتیب یونان در برابر انتخابات جدید قرار دارد که به تاریخ ۱۰ و ۱۷ جون برگزار می شود. همه پرسپه‌های تازه می رساند که اتحاد انتخاباتی چپ رادیکال زیر نام سیریزا (SYRIZA) آرای بیشتری را به دست خواهند آورد و مقام اول را در میان احزاب شامل انتخابات احراز خواهند نمود. بدینوسیله امکانات ایجاد حکومت چپ که در مخالفت با صرفه جویی قرار دارد، افزایش یافته است.

(الکسیس تسپیراس) رئیس سیریزا (SYRIZA) در نامه‌ی از رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا تقاضا کرد تا به سیاست صرفه جویی اتحادیه اروپا پایان بخشد، زیرا این سیاست یونان و اتحادیه اروپا را به فاجعه رهنمون می گردد. وزیر مالیه آلمان (ولفگانگ شویبلی) در گردهمایی وزرای مالیه اتحادیه اروپا در بروکسل مجدداً مخالفتش را در زمینه تجدید نظر بر سهولتهای ممکن در برنامه صرفه جویی در یونان ابراز داشت. «شویبلی» گفت: "برنامه مورد تأیید قرار گرفته و اجزای ترکیبی اقتصادی آن هیچ گاهی در معرض معامله قرار نمی گیرد". در اتحادیه اروپا و حکومت آلمان هر چه بیشتر و آشکارا درباره کنار رفتن یونان از زون یورو صحبت می شود.

در برابر این مطالب «هاریس گولیمیس» (زیوناسپیسیموس) (Synaspismos) با دیدگاه "ضد سرمایه سالاری و پشتیبان اروپا" توضیح می‌دارد که اکنون مشاهده می‌کنیم که "تا کدام حدودی کشورهای اروپایی در وابسته گی با همدیگر قرار دارند، چرا که انکشافات حتی در یک کشور کوچک حاشیه جنوبی آن "عدم تعادل" را چنان وسیله شده می‌تواند که پروسه تصمیم‌گیری را در همه کشورهای اروپا متزلزل سازد. علت درهمینجا نهفته است که چرا زیوناسپیسیموس (Synaspismos) هیچگاهی این وضعیت را تأیید نکرد که به اساس آن یونان شرایط مطروحه از جانب اتحادیه اروپا را پذیرا شود - آنچه مورد تأیید «پاسوک» (سوسیال دموکراسی یونان)

«PASOK» (Panhellenische Sozialistische Bewegung) و ناسیونال دموکراتها قرار دارد - یا داوطلبانه از اتحادیه اروپا کنار رود - مطالبه ای که از جانب حزب کمونیست یونان و هم چنان تعدادی از گروه‌هایی که در سیریزا (SYRIZA) عضویت دارند مطرح شد. در مقابل ما یقین داریم که مبارزات و عدم دنباله روی در سطح ملی، باید متوجه تلفیق آن در سطح اروپا و تجدید ساختارهای اروپایی باشد، که البته این مطلب بیانگر اهداف حزب چپ اروپایی نیز می‌باشد. دو راه وجود دارد: "یکی این که اتحادیه اروپا خودش را تجدید بخشد و دگر این که با موجودیت خودش و داع کند".

گذشته از آن: "در روزگاران دشواری که ما قرار داریم می‌تواند پیروزی جنبشها و چپ رادیکال در یکی از کشورهای اروپایی، بالای مبارزات سیاسی و اجتماعی در یک کشور دیگر اروپایی تکانه مثبت داشته باشد. پیروزی سیریزا (SYRIZA) در یونان البته از آن همه جنبشهای ناراضیها در تمام اروپا، مدیون پیروزیهای اعتصاب کننده گان در اسپانیا، موفقیت رفقای حزب کمونیست فرانسه و جبهه چپ در انتخابات برگزار شده نزدیک بوده است".

برای «هاریس گولیمیس» توافق با سیریزا (SYRIZA) کدام پی آمد "طبیعی" بحران نبوده، بلکه "نتیجه استراتژی پیروزمندانه" است و می‌تواند در جایگاه یک حزب سیاسی بخش عظیمی از استراتژی اش متبازز گردد:

۱- "ایجاد و حفظ ائتلاف چپ رادیکال سیریزا (SYRIZA). سیریزا (SYRIZA) اتحادی

از احزاب و سازمانهای گوناگون چپ است. پر قدرت ترین اجزای احزاب زیوناسپیسیموس (Synaspismos) (ائتلاف چپها، جنبشها و هسته های هیکولوژیک) و اکوا (AKOA) (حزب نوین کمونیستی و هیکولوژیک) که هر دو متعلق به حزب چپ

اروپایی میباشند؛

۲- در اتحاد «سیریزا» گروه‌هایی و یا اشخاص انفرادی از میان پاسوک، آنانیکه در میان مردم عام از اعتبار خوب برخوردار اند، شرکت دارند (در واقعیت نام لست انتخاباتی «سیریزا» موسوم به جبهه واحد اجتماعی بود)؛

۳- فراخوانی را که «سیریزا» به همه نیروهای چپ، در گام نخست به حزب کمونیست یونان و چپ دموکراتیک یا دیمار (DIMAR) - همان حزبی که دو سال پیش بعد از انشعاب «زیوناسپیس‌موس» تأسیس شده بود - پیشکش کرد، راه اندازی اتحادی بود که بتواند کشور را رهبری کند."

گذشته از این فراخوان اشاره می کند که در یک کشوری که در آن شخصیتها نقش با اهمیتی را در سیاست بازی می کنند یکی از علل پیروزی «سیریزا» در وجود رئیس آن حزب (الکسیس تسیپراس) یکی از سیاستمداران جوان و محبوب نهفته است.

«سیریزا» در میان طبقه کارگر صنعتی عنعنوی کمتر نفوذ دارد. رأی دهنده گان آن کارمندان عرصه خصوصی اقتصاد و جوانان اند. درین میان رأی دهنده گان جوان زیر سن ۵۵ ساله گی آنانی بودند که اکثراً این حزب را انتخاب نموده اند. این حزب در مراکز نواحی بزرگ شهری پیشقراول بود (به گونه مثال «سیریزا» در آتن، «تیسالونیکه» و «پاتراس» مقام اول را داشت) البته محلاتی که در آنجا بحران اجتماعی- اقتصادی بیداد می کند. «سیریزا» توانست تا بخشهای بزرگ لایه های مردم را در نواحی فقرزده آتن و سایر شهرهای بزرگ مجذوب خود سازد، حال آنکه در این محلات تاکنون نفوذ چندان نداشت.

برای «گولیمیس» دارای اهمیت استثنایی است که «سیریزا» با وجود فشار شدید تقریباً همه بخشهای گروه های سیاسی و رسانه ها از مواضع روشن اش در دفاع از حقوق مهاجران عدول نکرد و موضع آشکاری را علیه تأسیسات بد نام محلات تجمع مهاجران از خود تبارز داد - این موضعگیری البته آگاهانه چند روز پیش از برگزاری انتخابات اعلام گردید. نماینده «زیوناسپیس‌موس» (Synaspismos) تأکید کرد که «سیریزا» موضع اش را در رابطه با حقوق بشر زمانی اعلام داشت که جامعه برای پذیرش چنین تبلیغات آماده گی کامل داشت.

«سیریزا» پیشنهاد کرد تا بنیان حکومت مشترک همه نیروهای چپ که خود نمایانگر "پیروزی بیشتر «سیریزا»" است، گذاشته شود. این حکومت باید برپایه یک برنامه پنج فقره بی کار کند. این برنامه پنج فقره یی گذشته از همه در برگیرنده مسایل زیر است:

- ادامه عضویت یونان در زون یورو،
- فسخ نمودن همه قراردادهای غیر متساوی الحقوق با اتحادیه اروپا،
- میانجیگران سه نفری و بانک مرکزی اروپا،

- کنترل دولتی بالای همه بانکها،

- بازگشت مجدد به همه انواع وسطوح دستمزد قبلی و برداشتن محدودیتها در مورد حق تعیین دستمزد.

طوری که دیده می شود این مسایل مطابقت با همه نشیب و فراز های همه پرسیهای انتخابات دارد که خواست ۷۰ درصد مردم یونان است.

نخستین همه پرسی ای که به تاریخ ۹ می به ابتکار رسانه «الفا» (ALPHA) صورت پذیرفت، نشان دهنده آنست که اتحاد «سیریزا» در جایگاه نخستین حزب از اعتماد مردم در انتخابات پارلمانی ماه جون ۲۰۱۲ برخوردار است. این امر بیانگر آنست که مقاومت مردم در برابر دیکته تعیین شده صرفه جویی از خارج یونان افزایش می یابد. بر پایه این همه پرسی تعداد زیادی از رأی دهنده گان جدید «سیریزا» از حزب کمونیست یونان (۲۲درصد) و احزاب کوچک (۱۹ درصد) چون سبزه ها و چپ ضد سرمایه سالاری «انترسیا» می آیند. همچنان ۱۱ درصد رأی دهنده گان «سیریزا» رابطه دارد به "یونانیهای غیر وابسته" و هر یک ۸ درصد با «پاسوک» و «کرایسی اوگی» (شفق طلایی).

بدین ترتیب زمینه های تشکیل حکومت چپ افزایش می یابد. چنین حکومتی نمادی است بر شکست منطق مستولی سیاست صرفه جویی و "تسلط بازارها" در سر تا سر اروپا و ضربه شدیدی بر پیکر سرمایه و حکومتهای مدافع آن. چنین حکومتی به نیروهای ضد سرمایه سالاری در همه کشورهای اروپایی، به جنبشهای اجتماعی و سندیکایی که تا حال بدون نتایج محسوسی علیه سیاست صرفه جویی در برابر درهای بسته قرار گرفته اند، امیدواری و نیروی مجدد می بخشد. یکی از موانع در برابر تشکیل حکومت چپ موضع حزب کمونیست یونان است که هرگونه اتحاد چپ را مردود می داند. حزب کمونیست یونان در رابطه با پیشنهاد «سیریزا» در مورد تشکیل حکومت چپ توضیح می دارد که: "چنین حکومتی پرابلمهای مردم را بدتر از پیش تشدید خواهد بخشید. حزب کمونیست یونان در بخشهایی از طبقه کارگر عنعنوی یونان دارای نفوذ قابل ملاحظه است و در انتخابات اخیر با افزایش تقریباً یک درصد آرا موفق به بدست آوردن ۴۸،۸ درصد آرای عمومی شد. حزب کمونیست یونان سیاستی را تعقیب می کند که متوجه انفعال سیستم سرمایه سالاری به وسیله "قدرت مردم" است.

"وحدت نیروهای گویا چپ که به گونه مثال در انتخابات فرانسه مشهود بود بیشتر از پیش به مثابه افزار سرمایه در جهت بی ارزش جلوه دادن انسانهای مصروف به کار در استراتیژی سوسیال دموکراسی ثابت شد، تا بتوان از گرایش رادیکال توده ها جلوگیری کرد و مواضع محافظه کارانه را تقویت بخشید. یکی از مسوولیتهای عظیم در رابطه با این وضع بدوش رهبری اتحادیه سراسری سندیکاهای آلمان، سندیکای صنایع فلزی و سندیکای ویردی و همچنان

اتحادیه بین المللی سندیکاها (ITUC) در جایگاه مدافعان اتحادیه اروپا و طلایه داران همکاری طبقاتی با سرمایه می باشد. اینست مثالی از فراخوان حزب کمونیست یونان در آلمان.

ممکن است از یک "تهاجم متقابل ارتجاعی" نام ببریم ولی در هر حال پرابلم فقط در متلاشی بودن نیروهای چپ سراغ نمی شود. حلقه‌های مسلط در یونان و در اتحادیه اروپا انکشاف مسایل را در یونان خیلیها جدی مطرح نموده و برای آن آماده گی می گیرند تا مطالبات و رادیکالیزه ممکن برخوردها را در حدود معینی نگهداری بتوانند.

«هاریس گولیمیس» می گوید: ما در مبارزه روزمره مان در برابر دو دشمن بزرگ قرار داریم:

الف: در برابر نیروهای سیاسی سلطه داران که میخواهند از بیرون مردم اروپا را در چنبره سیاست دیکته از خارج داشته باشند. ب: در برابر نیروهای ارتجاع رادیکال، دست راستیهای شدیداً راستگرا و فاشیستی چون جبهه ملی در فرانسه، شفق طلایی در یونان و دستیاران شان در سایر کشورهای اروپایی.

در راه آماده گی برای انتخابات جدید طبقه مسلط امکانات مختلفه را در اختیار دارند تا بتوانند تشکیل حکومت چپ را مانع گردند: دموکراسی نوین ممکن است با دو حزب کاملاً نیولیبرال همکار گردد و این همان حزبی است که به تاریخ ۶ می جمعاً ۵ در صد آرا را به دست آورده بود. همچنان گذار دستجمعی رأی دهنده گان دموکراسی نوین و «پاسوک» به جانب نیروهای شدیداً دست راستی "یونانیهای غیر وابسته" - یک گروه انشعابی دموکراسی نوین - نیز ممکن به نظر می رسد. از همینجاست که سرشناس ترین حزب فاشیستها "شفق طلایی" برای نخستین بار با به دست آوردن ۷ در صد آرا عضویت پارلمان را حاصل کرد.

گذشته از این با تهدید "خروج از زون یورو" نخبه گان مسلط در یونان به این باور اند که می توانند هراسی در میان مردم خلق کنند. آنان تهدید به متوقف ساختن پرداختهای پولی از جانب صندوق بین المللی پول و اتحادیه اروپا می کنند. در جمله دیگران رئیس بانک فدرال آلمان «ینس وایدمن» آتن را به تعقیب و ادامه بدون قید و شرط صرفه جویی فرا خواند، زیرا در غیر آن یونان "زمینه های کمکهای مالی بعدی" را از دست می دهد. تا اخیر ماه جون حکومت یونان بایستی برای به دست آوردن دومین بخش کمک مالی دومین مجموعه نجات، طرح جدید صرفه جویی را بر پایه تعهدات اش با حجم حد اقل ۱۱،۵ میلیارد یورو به تصویب برساند. . . .

تهدیدها از بروکسل و برلین روشن است: هرگاهی یونان از هدایات میانجیگران سه نفری سرکشی کند، در آنصورت کمکهای پولی قطع می گردد. افلاس دولت نتیجه آن خواهد بود و به این ترتیب یونان از زون یورو خارج شده و مجبور است تا (در خما) را دوباره مورد استفاده قرار دهد. یکی از سناریو هایی که میانجیگران سه نفری و بانکها به آن موافق اند. گام نخست برملا

ساختن قرضه های یونان در ماه مارچ امسال بود که در وجود آن قرضه دهنده گان خصوصی یونان از دوباره پرداخت بیشتر از ۱۰۰ میلیارد یورو صرف نظر کردند. گذشته از این درین مدت زمان چتر نجات یورو یا (ای ام اس) کار سازی شد، که بر مبنای آن یونان اکنون می تواند به لابراتوار افلاس موزون دولتی و ثبات "محدود" چتر نجات یورو مورد استفاده قرار گیرد. "خطر سرایت آن در مقایسه با چندماه گذشته، اکنون آنقدرها گسترده نیست". طوریکه وزیرمالیه لوکزامبورگ «لووک فریدین» به قول از اشپیگل ادعا می کند. مبرهن است که "همبسته گی با نیروهای چپ یونان" با در نظر داشت فشار میانجیگران سه نفری طالب همبسته گی چپ اروپایی و همه نیروهایی که خواهان تشکل مجدد اروپا هستند با چپ یونان و به خصوص مطالبات آنان در جهت الغای تعهدات و موافقتنامه هادر رابطه با قروض ضرورت مبرم است. «پیری لاورن» رئیس حزب چپ اروپایی تأکید می دارد که "یکی از وظایف تأخیر ناپذیر چپ اروپایی و احزاب شامل آن در آن نهفته است تا به تقویت همبسته گی و مبارزه مشترک با نیروهای مقاومت دریونان یاری رسانند".